

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به مطالبی که در مسائل قبلی مطرح کردیم و بحث شد دیگر تعرض به مسئله دهم و یازدهم لازم نیست .

صاحب عروة در مسئله ۱۲ می فرماید: « آخر وقت النية فی الواجب المعین رمضان کان أو غیره عند طلوع الفجر الصادق، ویجوز التقديم فی أى جزء من أجزاء لیلۃ الیوم الذی یرید صومه ومع النسیان أو الجهل بکونه رمضان أو المعین الآخر یجوز متی تذکر إلی ما قبل الزوال إذا لم یأت بمفطر، وأجزأه عن ذلک الیوم ولا یجزیه إلا تذکر بعد الزوال » .

مسئله دوازدهم مربوط به وقت صوم هم از لحاظ مبدأ و هم از لحاظ منتهی می باشد، چهار فرع در مسئله دوازدهم مطرح است، فرع اول این است که در صومی که از لحاظ زمان معین است چه رمضان باشد وجه غیر رمضان مثل روزه نذر معین، آخرین وقت برای نیت طبق فرمایش صاحب عروة عند طلوع الفجر می باشد چون که روزه عبارت است از امساک از طلوع فجر تا غروب منتهی نه هر امساک بلکه امساک که همراه با نیت صوم باشد چرا که هر امساک به تنهایی روزه بحساب نمی آید، به عبارت دیگر هر امساک صوم نیست بلکه آن امساک صوم است که به قصد و بانیت صوم همراه باشد یعنی امساک باید مقارن و توأم با قصد باشد، چنانکه در نماز هم از اولیکه شروع می شود به نیت نماز شروع می شود و تا آخر آن باید طوری باشد که هیچ جزئی از اجزاء مأمور به بدون نیت واقع نشود، بنابراین باید شخص صائم از طلوع فجر که اول شروع امساک صومی می باشد امساکش همراه و توأم با نیت صوم باشد و اگر یک لحظه از طلوع فجر بگذرد و آن شخص نیت نکرده باشد دیگر صائم نمی باشد چراکه روزه آن است که در تمام اجزاء و لحظات و آنات از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت صوم امساک شود، پس نیت باید با اولین لحظه توأم باشد.

در ص ۱۱۶ از جلد ۱۶ جواهر آمده است که ما باید طوری نیت کنیم که با اولین لحظه بعد از طلوع فجر توأم باشد، شاید در زمان ما که آلات و ابزار وجود دارد که تا ثانیه و حتی ثالثه را محاسبه می کند مشکلی وجود نداشته باشد اما در زمان قدیم که این آلات و ابزار دقیق وجود

نداشته مخصوصاً در روستاهای دور افتاده امکان اینکه انسان بتواند توأم با اولین لحظه ای که فجر طالع می شود نیت کند وجود نداشته چون همانطوری که صاحب جواهر هم اشاره کرده بعد از اینکه فجر طلوع کند تازه انسان متوجه طلوع آن می شود اما قبل از طلوع فجر بدست آوردن آخرین ثانیه از شب که بعد از گذشتن آن فجر طلوع خواهد کرد بسیار مشکل و متعذر بوده، فلذا با توجه به مطالب مذکور باید مکلف قبل از طلوع فجر نیت کند و حتی می تواند در اول شب نیت کند .

مقداری از بحثی که در جواهر و غیر آن آمده مبتنی بر این است که آیا نیت اخطار است یا اینکه داعی می باشد؟ چراکه اگر نیت اخطار باشد این مشکلاتی که عرض کردیم پیش می آید ولی اگر نیت داعی باشد دیگر مشکلی پیش نخواهد آمد چون داعی یعنی انگیزه که ای بسا این انگیزه را آن شخص از شب داشته باشد، اما اگر نیت را اخطار از قلب بدانیم بسیار مشکل است که ما بتوانیم در آخرین لحظه از شب که پشت سر آن فجر آغاز می شود از قلبمان اخطار کنیم .

روایات کثیره ای در باب جنب و غیر جنب وجود دارد که در آنها آمده است که اگر کسی در شب نیت کند و بعد خواب بماند کافی است، یستفاد از این روایات که لازم نیست در نیت اخطاری باشد که با اولین لحظه از طلوع فجر مقارن باشد .

آیت الله خوئی در مستند العروة در باره مسئله مورد بحث فرموده اند که ما از روایات کثیره استفاده می کنیم که اگر کسی در شب قصد دارد فردا را روزه بگیرد کافی است و دیگر لازم نیست که عندالطلوع فجر بیدار باشد تا نیت کند . بعد ایشان در ادامه کلامشان می فرمایند که اگر در روز قبل برای فردا نیت کند کافی نیست، مثلاً معلوم نیست که امروز آخر شعبان است که فردا اول رمضان باشد یا اینکه امروز آخر شعبان نیست و فردا هم اول رمضان نیست، در اینجا اگر روز قبل برای روزه گرفتن فردا نیت کرد و شب خواب ماند و یا مثلاً بیهوش شد چنانچه فردا اول رمضان باشد کافی نیست، بنابراین صاحب عروة فقط از شب بحث کرده ولی ایشان بحث را برده در قبل از شب .

آقای خوئی مسئله را تفصیل می دهند بین اینکه فردا اول رمضان باشد مثل مثالی که گذشت و بین اینکه این جریان در وسط رمضان اتفاق بیفتد مثل اینکه در روز چهارم رمضان قصد کند فردا را که روز پنجم است روزه بگیرد ولی خوابش ببرد و فردا عصر بیدار شود، ایشان در مثال اولی که در شعبان نیت روزه فردا را که اول رمضان است کرده می گویند که کافی نیست، ولی در مثال دومی که در خود ماه رمضان بوده می گویند که کافی است چون در جایی که رمضان است شما هم برای

درست است و استفاده از این روایات که داعی اگر در شب باشد کافی است و حتماً لازم نیست که در طلوع فجر بیدار باشد و قصد کند.

اما درباره فرع دوم باید عرض کنیم که همانطور که گفتیم روزه امساک از مفطرات از طلوع فجر تا غروب آفتاب می باشد در حالی که در این فرع دوم فرض بر این است که تا ظهر قصد روزه نداشته چرا که غافل یا ناسی و یا جاهل بوده فلذا آن عبادتی را که شارع مقرر کرده بوده بجا نیاورده، منتهی باید عرض کنیم که خیلی از جاها در صوم می باشد که شارع در آنجاها ارفاق کرده، مثلاً شخصی مریض باشد روزه بر او واجب نیست اما اگر تا ظهر خوب شد می تواند نیت روزه کند و یا اینکه مثلاً اگر شخصی مسافر باشد روزه بر او واجب نیست ولی اگر قبل از ظهر به وطنش و یا محلی که می خواهد ده روز در آنجا بماند برسد و مفطری را انجام نداده باشد می تواند قصد روزه کند، پس در بسیاری از جاها روزه ای که عبارت است از امساک به قصد صوم از طلوع فجر تا غروب آفتاب محقق نمی شود ولی شارع مقدس ارفاقاً آن را پذیرفته و قبول کرده. حالا می خواهیم ببینیم دلیل این فرع دوم چیست؟ در اینجا بنده نوشته ام که مشهور و معروف این است که در این مسئله ادعای اجماع شده و علامه هم در تذکره وهم در منتهی ادعای اجماع کرده و صاحب جواهر هم برای ناسی و جاهل ادعای اجماع کرده، اما دلیل مشهور بر این مسئله دارای وجوهی می باشد؛ اول: **ما ورد فی**

المريض والمسافر، روایاتی درباره مریض و مسافر داریم که اگر مریض قبل از ظهر خوب شد و یا مسافر قبل از ظهر به وطنش یا محل اقامتش که می خواهد ده روز در آنجا بماند رسید می تواند نیت کند و روزه اش صحیح می باشد، که این روایات در باب ششم از ابواب وجوب الصوم ذکر شده و اولین روایت حدیث چهارم باب واقع در ص ۱۳۵ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی می باشد، روایت این است: **وعنهم:**

یعنی کلینی عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد: علامة بحر العلوم در کتاب فوائد الرجالیه که بسیار کتاب خوبی است ثابت کرده است که سهل بن زیاد مورد وثوق است، عن احمد بن محمد بن عیسی قال: سئل أبا الحسن (ع) عن رجل قدم من سفر فی شهر رمضان ولم یطعم شیئاً قبل الزوال، قال: یصوم.

دوم: حدیث رفع می باشد که در آن آمده است: **رفع عن امتی ما لا یعلمون**، که ۹ چیز می باشد، حدیث رفع در ما نحن فیه اقتضا می کند که این شخص مؤاخذه نشود و روزه اش هم صحیح باشد.

امروز وهم برای فردا امر دارید اما اگر شعبان باشد شما دیگر برای رمضان امری ندارید و نیت در جایی صحیح است که ما امری داشته باشیم وبعد برای امتثال آن امر نیت بکنیم، این تفصیل آقای خوئی در مستندالعروة بود.

ظاهراً تفصیل ایشان درست نیست چون اگر بخواهیم امراً را که ۲۹ شعبان است حساب کنیم درست نیست چونکه ما فعلاً در حال حاضر امری برای رمضان نداریم تا اینکه شب یا فردا برسد و رمضان بشود، اما در روزهای ماه رمضان هر روز که روزه هستیم برای فردا هم امر داریم، بنابراین ما می گوئیم امر حالا که ۲۹ شعبان است را قصد نمی کنیم که بعد بخواهیم بگوئیم که امر نداریم بلکه ما فردا را می خواهیم روزه بگیریم که برای آن امر داریم حالا چه ۲۹ شعبان باشد که بعد مشخص شود اول رمضان بوده و چه مثلاً چهارم رمضان باشد که برای فردایش امر داریم.

همانطور که عرض کردیم صاحب عروة در مسئله دوازدهم چهار فرع ذکر می کنند اول اینکه آخرین وقت برای نیت کردن در روزه واجب معین مثل رمضان و نذر معین قبل از طلوع فجر می باشد و مشخص است که اول نیت هم از شب می باشد بنابراین در مثل ماه رمضان و یا نذر معین اگر فجر طالع شود و نیت نکرده باشید روزه شما باطل خواهد بود.

فرع دوم این است که اگر فراموش کرد که فردا رمضان است یا مثلاً فردا نذر معین دارد و یا جاهل بود، زمان نیت کردن تا ظهر ادامه دارد یعنی تا ظهر هر وقت که متوجه شد اگر نیت کند روزه اش صحیح می باشد.

فرع سوم این است که در واجب غیر معین مثل نذر غیر معین، اگر عالمماً و عامداً نیت نکرده باشد اگر مفطری انجام نداده باشد تا ظهر برای نیت کردن فرصت دارد.

فرع چهارم این است که در روزه مستحبی اگر تا قبل از غروب مفطری انجام نداده باشد می تواند نیت صوم مستحبی کند. حالا دلائل این چهار فرع را عرض می کنیم، اولی که معلوم شد و آن این بود که روزه در ماه رمضان باید توأم با قصد و نیت باشد و قصد هم به همین ترتیب است که عند طلوع الفجر نیت کند و قصد انصراف از روزه را هم نداشته باشد و در نیت هم عرض کردیم که داعی و انگیزه برای انجام روزه کافی است حتی اگر در شب و یا در روز قبل داعی بر انجام صوم در فردا را داشته باشد کافی است، و دلیل بر این داعی هم روایت کثیره ای بود مبنی بر اینکه اگر کسی در شب نیت کرد و خواب ماند روزه اش

دارند که نیت کنند ولی آقای خوئی هم در حاشیه عروۃ و هم در مستند العروۃ گفته اند که فیہ الاشکال. ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

در حدیث رفع بحث بسیار است و سه احتمال در آن وجود دارد که عبارتند از اینکه آیا تمام آثار را بر می دارد، یا اینکه فقط مؤاخذه را بر می دارد و یا اینکه أظهر الآثار را بر می دارد، ظاهراً فقط حدیث رفع مؤاخذه را رفع می کند و دیگر با حکم وضعی یعنی عمل کاری ندارد، اما در اینجا که به حدیث رفع تمسک شده خواسته اند که صحت عمل را هم درست کنند فلذا گفته اند این حدیث دال بر این است که رفع **عن امتی ما لا یعلمون** و این شخص هم جاهل بوده فلذا علاوه بر اینکه مؤاخذه ندارد روزه اش هم صحیح می باشد.

حدیث رفع از طریق امامیه در وسائل ذکر شده که حدیث اول از باب ۵۶ از ابواب جهاد النفس واقع در ص ۳۶۹ از جلد ۱۱ و سائل ۲۰ جلدی می باشد .

سوم: مرسلأ نقل شده که در لیلۃ الشک یعنی شبی که مردم نمی دانستند که شب اول ماه رمضان است یا شب آخر ماه شعبان است، **أصبح الناس** : مردم صبح کردند ، **فجاء اعرابی فشهد برؤية الهلال** : یک عرب بیابان نشینی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و شهادت به رؤیت هلال داد، حضرت هم دستور دادند منادی ندی کند که: **من لم يأكل فليصم**: هر کسی چیزی نخورده روزه بگیرد و **من أكل فليمسك** : و کسی هم که خورده امساک کند که البته این استحباب دارد . از کلمه جاهل که در این روایت آمده و گفته که آنها جاهل بودند و نمی دانستند که ماه رمضان آمده است یا نه، یستفاد که اگر کسی آمد و خبر کرد می توانند روزه بگیرند .

علامه در جلد ۹ منتهی در ص ۲۱ تا ص ۲۲ اشاره به همین حدیث کرده و همچنین ایشان در ص ۱۰ از جلد ۶ تذکره به این مطلب اشاره کرده اند و این روایت را در آنجا هم آورده اند .

اینها دلائل سه گانه ای بود که مشهور درباره فرع دوم از مسئله مورد بحث ما ذکر کرده بودند اما صاحب جواهر و آیت الله خوئی در این دلائل خدشه کرده اند، صاحب در اینجا فرموده اند که دلیل اول اختصاص به مریض و مسافر دارد و مانحن فیہ را شامل نمی شود و حدیث رفع هم فقط مؤاخذه را بر می دارد و صحت صوم را ثابت نمی کند و روایتی هم که در دلیل سوم ذکر شده از طریق عامه نقل شده و مرسل هم است و همچنین شاهد اولاً باید عادل باشد و ثانیاً متعدد باشد که در این روایت متعرض هیچکدام از اینها نشده ، فلذا ما نمی توانیم به این روایت اعتماد کنیم .

تمام محشین و شراح عروۃ حرف صاحب عروۃ را فیول کرده اند و گفته اند که ناسی و جاهل تا ظهر اگر مفطری انجام نداده باشند وقت